

## درس ششم:

مانند جلسات قبل کلاس را با یکی از مناجاتهایی که از بر دارید شروع کنید و از بعضی از اطفال نیز بخواهید تا مناجاتی از بر بخوانند. بعد از تلاوت ادعیه به کودکان کمک کنید تا حفظ کردن مناجاتی را که در درس چهار آغاز کرده اید ادامه دهند.

فعالتهای دیگر جلسه امروز بشرح زیر است:

الف) سرود: شامل تکرار بعضی از سرودهای جلسه قبل و یک سرود جدید بشرح زیر:

### راستی

|                         |                      |
|-------------------------|----------------------|
| جز راستی چیزی نبود      | وقتی همیشه حرف ما    |
| با هم بخوانیم این سرود: | هستیم شاد و مطمئن    |
| هر چیز پیش او عیان      | داند خدا راز نهان    |
| راضی شود از ما خدا      | با راستی، صدق و صفا  |
| تا راستی آغاز شد        | راه فضائل باز شد     |
| دارند اطمینان به او     | هر کس که باشد راستگو |
| بی ترس و بی شرمندگی     | با راستی در زندگی    |
| چون اعتماد و عشق هست    | آریم دلها را به دست  |

### ب) حفظ بیان مبارک

راستگویی یکی از ضروری ترین صفات روحانی است بهایان نباید حتی کوچکترین دروغی بگویند چرا مردم دروغ می گویند؟ بعضی وقتها برای این است که آنها می ترسند حرف راست بزنند. با وجود این همه ما می دانیم که خداوند از همه کارهای ما مطلع است و ما نمی توانیم چیزی را از خدا پنهان کنیم. اگر ما راستگو نباشیم پرورش صفات خوب دیگر برای ما بسیار دشوار خواهد بود و نمی توانیم به خداوند نزدیک شویم. بیایید با هم این بیان مبارک را حفظ کنیم:

«صدق و راستی اساس جمیع فضائل انسانی است» (۱۲)

### صدق و راستی

۱- لیوانی از دست احمد افتاد و شکست. مادرش پرسید چه شده؟ احمد راستش را به مادر گفت احمد فضیلت راستگویی را از خود نشان داد.

۲- دوست گیتا به خانه آنها آمد و از گیتا خواست که با هم بازی کنند گیتا باید تکالیفش را انجام می داد و نمی توانست برای بازی بیرون برود. برادر گیتا می خواست به او کمک کند و به دوستش بگوید که گیتا منزل نیست ولی گیتا راضی نشد که برادرش دروغ بگوید. گیتا در را باز کرد و به دوستش گفت امروز کار دارد و نمی تواند با او بازی کند. گیتا فضیلت راستگویی را از خود نشان داد.

### اساس

۱- پدر ادیب خانه می ساخت. قبل از ساختن دیوارها مقداری سنگ و سیمان را در محلی که قرار بود دیوارها را بسازد ریخت تا دیوارها کاملاً محکم شوند. با سنگ و سیمان اساس خانه محکم می شود.  
۲- قبل از آنکه خواندن و نوشتن را یاد بگیرید باید با صدای حروف آشنا شوید. یاد گرفتن صدای حروف، اساس خواندن و نوشتن است.

### ج) داستان

در زمانهای قدیم، در سرزمینی دور، پسری زندگی می کرد. وقتی که پدرش در مزرعه بود و مادرش به کارهای خانه رسیدگی می کرد این چوپان جوان از گوسفندان نگهداری می نمود. یک روز حوصله اش سر رفت و تصمیم گرفت همسایه ها را به شوخی کمی بترساند. ناگهان فریاد زد: گرگ! گرگ! گرگ! گوسفندانم را درید! همه به کمک او شتافتند اما گرگی ندیدند و پسر به آنها خندید و از اینکه توانسته بود آنها را فریب دهد و دست بیندازد خوشحال بود. دوستانش به سرکارهایشان برگشتند و با همدیگر در باره رفتار بد پسر چوپان صحبت می کردند.

روز بعد دوباره پسر فریاد زد: گرگ! گرگ! کمک کنید! کمک کنید! بعضی از همسایه ها دوان دوان خود را برای کمک به اورساندند. ولی دوباره پسر را دیدند که به آنها می خندد. آنها خیلی ناراحت شدند چون پسر چوپان دوباره به دروغ آنها را فریب داده بود.

روز سوم وقتی پسر فریاد زد گرگ! گرگ! گرگ! گوسفندانم را درید! کمک کنید! کمک کنید! همه به تصور آنکه باز هم پسر آنها را فریب داده و دروغ می گوید اعتنایی به او نکردند. اما این بار واقعاً گرگ به گله او حمله کرده بود. گرگ همه گوسفندانش را درید و هیچکس به کمک او نیامد. چوپان خیلی غمگین شد ولی یک درس بزرگ از این جریان آموخت و آن این بود که اگر دروغ بگوییم، روزی خواهد آمد که دیگر پدر و مادر و خواهران و برادران و دوستانمان هم حتی اگر راست بگوییم حرف ما را باور نخواهند کرد.

### د) بازی «تلفن»

تعدادی از اطفال در یک ردیف پشت سر هم قرار می گیرند و آخرین نفر در مقابل تخته سیاه قرار می گیرد. در صورت نیاز می توان چند صف از اطفال درست کرد معلم با انگشت طرحی را بر پشت اولین نفر صف می کشد و به همین ترتیب هر یک از اطفال تصویری را که درک کرده بر پشت نفر مقابل خود

می کشد تا نوبت به آخرین نفر می رسد که در مقابل تخته سیاه قرار دارد و او باید تصویری را که درک کرده بر روی تخته رسم کند و در آخرین مرحله معلم تصویر اولیه خود را هم روی تخته می کشد و تفاوت آن را توضیح می دهد. تصاویر باید ساده باشد تا همه اطفال بتوانند آن را بکشند.

(ه) رنگ آمیزی: نقاشی شماره ۶

